

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

# مقام صحابه و زندگی خلفای راشدین در یک نگاه

به کوشش:  
عبدالرحیم محمودی

مقام صحابه و زندگی خلفای راشدین در یک نگاه  
عبدالرحیم محمودی  
اهل بیت، صحابه و تابعین  
اول (دیجیتال)  
خرداد (جوزا) ۱۳۹۵ شمسی، شعبان ۱۴۳۷ هجری  
سایت عقیده [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

عنوان کتاب:  
تالیف:  
موضوع:  
نوبت انتشار:  
تاریخ انتشار:  
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

مقدمه:	۶
ستایش پیامبر ﷺ	۶
مقام صحابه در قرآن	۶
در وصف اصحاب پیامبر ﷺ آیات زیاد است	۸
(نه صحاب و ثالی هزه زهت)	۱۰
<b>خلافت حضرت ابوبکر صدیق</b>	۱۰
اسم و نسب حضرت ابوبکر	۱۱
صفات و خدمات حضرت ابوبکر	۱۱
<b>خلافت حضرت عمر فاروق</b>	۱۳
اسم و نسب حضرت عمر	۱۴
صفات و خدمات حضرت عمر	۱۴
نمونه از عدالت و حق طلبی حضرت عمر	۱۶
<b>خلافت حضرت عثمان</b>	۱۹
اسم و نسب حضرت عثمان	۱۹
صفات و خدمات حضرت عثمان	۱۹
<b>خلافت حضرت علی</b>	۲۱
اسم و نسب حضرت علی	۲۱
صفات و خدمات حضرت علی	۲۱
نمونه از حق جوی حضرت علی	۲۲

---

---

۲۳	.....	حسن ادب چهار خلفاء با یکدیگر
۲۷	.....	مراجع کتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دوستان عزیز! جوانان این مرز و بوم روز بروز برای کسب معارف اسلامی اشتیاق بیشتر نشان می‌دهند.

برای راهنمایی نسل جوان و جلوگیری از تهاجم فرهنگی بیگانگان اهل قلم و سخن مسئولیتی بیشتری خواهند داشت.

این حقیر برای رهنمایی قشری از جوانان این کشور که بر روش پیامبر ﷺ و اصحابش (اهل سنت) هستند، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم این جزوه نمودم تا در معتقدات خود آگاه باشند. امیدوارم مورد استفاده قرار گیرد، و چراغی باشد در قبر تاریکم، و صدقه جاری برای مرحوم پدر و مادرم.

عبدالرحیم محمودی دمّیوی پاییز ۱۳۷۵

## مقدمه

بنام خداوند جان آفرین      حکیم سخن در زبان آفرین  
خداوند بخشنده دستگیر      کریم خطابخش پوزش پذیر

### ستایش پیامبر ﷺ

چه نعت پسندیده گویم تو را      علیک السلام ای نبی الوری  
درود ملک بر روان تو باد      بر اصحاب و بر پیروان تو باد  
نخستین ابوبکر پیر مرید      عمر پنجه بر پیچ دیو سفید  
خردمند عثمان شب زنده دار      چهارم علی شاه دلدل سوار<sup>(۱)</sup>

قبل از شروع در زندگی خلفاء راشدین لازم است بطور عمومی به مقام صحابه کرام که  
خلفاء راشدین از بزرگان و برجسته گان آنان هستند، نظری کوتاه بیفکنیم.

### مقام صحابه در قرآن

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ  
وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>(۱)</sup>  
[التوبة: ۱۰۰].

«و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنانیکه به نیکی از آنها پیروی کردند،  
خداوند از آنان خشنود و آنها از او خشنود شدند، و خدا برای ایشان باغ‌هایی که نهرها از  
زیر آنها جاری است آماده نموده، و در آن همیشه جاودان و ماندگارند، اینست کامیابی  
بزرگ.»

(۱) - مقدمه بوستان شیخ سعدی علیه الرحمه.

خداوند متعال در این آیه رضایت خود را از مهاجرین و انصار و کسانی که از آن‌ها پیروی و تبعیت می‌کنند بیان و اظهار فرموده، و آن‌ها از خدا راضی هستند و خداوند در بهشت انواع نعمت‌ها را برای آنان آماده کرده است.

چرا خدا بزرگ این همه نعمت برای آن‌ها آماده کرده؟ چون اصحاب پیامبر ایمان کامل و اعمال صالح داشته‌اند و به خاطر اعتلای دین خدا و برافراشتن پرچم **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** انواع شکنجه و آزار و هزاران مشکل را تحمل نمودند، و با وجود هر نوع خطر دست از فداکاری و جان‌بازی برنداشتند، و عاشقانه به استقبال انواع بلاها و دشواری‌ها شتافتند.

و جهاد و کوشش آن‌ها بود که ما الآن از نعمت ایمان برخورداریم. عزیزانم چگونه امکان دارد که نسبت به چنین افرادی که قرآن از آن‌ها تعریف کرده است بی‌محبت و یا خدانخواستہ بدبین و یا نعوذ بالله بی‌ادب باشیم، چه دلیلی بالاتر از قرآن است؟

خودا له بهر خاتری ره سؤولی نازاری خوی      نه و نه صحابانه‌ی خهلق کرد تا خاتری عاتر بی  
خالق ته عریفی کردن مونکیر ته قدیمی کردن      نایا نه م دوو قه ولانه کامه یان موعته بهر بی<sup>(۱)</sup>

**توضیح:** اصحاب به کسانی گفته می‌شود که به خدمت پیامبر **ﷺ** رسیده، در حالیکه دارای ایمان و با ایمان فوت کرده باشند.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [الفتح: ٢٩].

«محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر

(۱) - قه صیده شیخ محمدی دادانه.

مهربانند، ایشان را می‌بینی که بسیار در حال رکوع و سجودند و جویای فضل و خشنودی از جانب خدا، نشانه ایشان از اثر سجده در چهره‌شان آشکار است، این وصف آنان است در تورات، و وصف‌شان در انجیل مانند زراعتی است که خوشه برآورد پس آن را استوار کند، تا سخت گردد و بر خوشه برآورد پس آن را استوار کند، تا سخت گردد و بر ساقه اش محکم بایستد، چندان که زارعان را به شگفت آورد و مایه خشم کفار از آنان شود، خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده و عمل‌های شایسته پیشه کنند وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است».

خداوند متعال در این آیه اوصاف خوب و حمیده تمام اصحاب پیامبر ﷺ را بیان فرموده، به شهامت و شجاعت آنان در برابر کفار و زورگویان، و مهربانی و رأفت و رحمت و تواضع ایشان در بین خود و مشغول بودن آنان در اکثر اوقات به عبادت پرداخته.

اصحاب پیامبر ﷺ به حدی عبادت بی‌ریا و خالص انجام می‌دادند که هرکسی آن‌ها را می‌دید نور ایمان را در سیمای آنان مشاهده می‌کرد، این وصف آنان بود در تورات، و در انجیل وصف پیامبر ﷺ چنین آمده است که ایشان در ابتدای امر کم خواهند بود، ولی بعداً مانند زراعت نشأ و نما خواهند کرد و به طور عجیب زیاد خواهند شد.

### در وصف اصحاب پیامبر ﷺ آیات زیاد است<sup>(۱)</sup>

و پیامبر اسلام در مناسبت‌های به طور عمومی و یا خصوصی از یاران خود تعریف کرده است، برای نمونه: پیامبر عظیم الشان اسلام فرموده است:

«هیچ فردی از اصحابم را دشنام ندهید، زیرا اگر کسی (غیر از اصحاب) به اندازه‌ی کوه احد طلا را (در راه خدا) انفاق کند به اندازه یک مد یا نصف آن که صحابی آن را انفاق کند ثواب ندارد»<sup>(۲)</sup>. این به خاطر جایگاهی است که اصحاب نزد خدا و رسول دارند، و به

(۱) - برای توضیح بیشتر می‌توانید به این آیات مراجعه کنید: بقره: ۱۴۳، آل عمران: ۱۱۰ و ۱۹۵، انفال: ۷۴،

توبه: ۲۰ تا ۲۲ و آیات ۴۰، ۸۸، ۸۹.

(۲) - بخاری و مسلم.



خاطر زهد و تقوایی که داشته‌اند. «عبدالله پسر حضرت عنه می‌گوید: روزی حضرت عمر به سرکشی باغ خرما رفته بود، وقتیکه برگشت نماز عصر را خوانده بودند، حضرت عمر فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». جماعت نماز عصر را از دست دادم، به شهادت شما باغ خرمای خود را به کفاره از دست‌دادن این نماز جماعت به عنوان صدقه به فقراء بخشیدم». این بزرگوار از دست‌رفتن یک جماعت را (نه یک نماز) مصیبت تلقی کرده و مصیبت وارده را از حب دنیا دانسته، لذا برای جبران نماز جماعت و کاهش حب دنیا باغ خرما را به فقرا بخشیده. صحابه پیامبر همگی در اجرای احکام اسلام واجب و سنت هیچگونه کوتاهی نکرده و از خود سستی نشان نداده‌اند، پس معلوم و مشخص است که اینگونه افراد نزد خدا جایگاهی ویژه‌ای دارند.

فضیلت اصحاب پیامبر به آیات و احادیث و اجماع علماء و دانشمندان امت اسلام ثابت است، و حتی دشمنان دین اسلام به عدالت و مردانگی آن‌ها قرار نموده‌اند. در اینجا به خدمت عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری که یکی از بزرگ‌مردان ایران و یکی از اولیاء الله است، می‌رویم تا نظر ایشان را در باره اصحاب جويا شویم، ایشان می‌فرماید:

ور کنی تکذیب اصحاب رسول	قول پیغمبر نکردستی قبول
گفت هر یاریم نجمی روشن است	بهترین قرن‌ها قرن من است
بهترین خلق یاران منند	اقریباً و دوستداران منند
کی روا داری که اصحاب رسول	مرد ناحق را کنند از جان قبول
یا نشانندش به جای مصطفی	از صحابه نیست این باطل روا
اختیار جمله‌شان گر نیست راست	اختیار جمع قرآن پس خطاست <sup>(۱)</sup>

(۱) - منطق الطیر عطار.

و استاد ماموستا ملا عبدالکریم مدرس<sup>(۱)</sup> به زبان شیرین گُردی در باره‌ی آل و اصحاب پیامبر چنین فرموده است:

### (نه‌صحاب و نالی چه‌زرت)

بیارینه خواره‌حمه‌ت له هه‌ووری فه‌یضی ره‌بیانی  
 چه‌نه‌صحابی نه‌وانه‌ی همه‌وری بارانی که رامه‌ت بوون  
 همه‌موو نه‌فسی موقه‌دده‌س، مه‌ظه‌ری نووری خوی نه‌قده‌س  
 بنازم به‌و صه‌فا خواره‌دای به‌قه‌لبی نال و یاران‌ی  
 وه‌ره بروانه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» و نوری «سَيِّئَاهُمْ»  
 توکلیان و ئیمان و سرور و عاجزی دلیان  
 هه‌موو یه‌ک قه‌لب و یه‌ک قالب له بو ریضوانی حه‌ق طالب  
 له سه‌ر روحی ره‌سول الله و جه‌میعی نال و یاران‌ی  
 چه‌نالی، نالی شاهی واکه عیززه‌ت بوو به‌نه‌رکان‌ی  
 خه‌لاتی خواره‌هات بویان به‌ئحسان و به‌ریضوانی  
 که‌عه‌ینه‌ن بون به‌مصیباحی ته‌جه‌للای طوری ئیحسانی  
 نه‌بینی چه‌ن هه‌زار نه‌سرار و نورو فه‌یضی ره‌حمانی  
 عَلَى اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لِلَّهِ بُوو عینوانی  
 به‌دایم راغب و راهب له جیلوه‌ی قه‌هری سویحانی<sup>(۲)</sup>

## خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

پیامبر اسلام ﷺ در حال حیات صریحاً کسی را تعیین نفرمود، زیرا ختم نبوت شده بود، و از تعیین یکی احتمال داشت که بازهم مقام خصوصیتی برای او پیدا گردد<sup>(۳)</sup>. چون آنحضرت در سال ۱۱ هجری از دار فانی به بهشت جاوید انتقال فرمود، صحابه کرام در «سقیفه بنی ساعده» جمع شدند، بعد از شورا و مشورت زیاد بالآخره اکثریت به حضرت ابوبکر صدیق بیعت نمودند، و به دلائل زیر به آن بزرگوار رأی دادند:

۱- چون قریش بود پیامبر فرمود: «الْأُمَّةُ مِنْ قُرَيْشٍ».

(۱) - تألیفات ماموستا ملا عبدالکریم مدرس از ۸۰ جلد تجاوز کرده است، و به زبان عربی و کردی تفسیر قرآن دارد، و شریعت اسلام که در فقه امام شافعی به زبان کردی نوشته بهترین کتار و در نوع خودش بی‌همتاست.

(۲) - قصیده نورالصباح.

(۳) - خاتم النبیین پروفوسور شوشتری.

- ۲- اولین کسی بود از مردان که ایمان آورد.
- ۳- از همه بیشتر به اسلام خدمت کرده بود.
- ۴- آگهی کامل از آموزش اسلامی.
- ۵- خویشی به آنحضرت.
- ۶- وجاهت میان مهاجرین.
- ۷- ملایمت و حسن رفتار با عموم مسلمین.
- ۸- رفیقی پیامبر در هجرت ﴿أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ﴾.
- ۹- امامت نماز به دستور پیامبر در وقت مریضی آنحضرت.

### اسم و نسب حضرت ابوبکر

اسم مبارکش عبدالله، کنیه اش ابوبکر، لقبش صدیق پسر ابوقحافه، اسم مادرش سلما در جد ششم نسبش به آنحضرت می‌رسد.

در سال ۵۷۳ م متولد شد، و در ۲۳ جمادی الثانی در سال ۱۳ هجری در سن ۶۳ سالگی وفات کردند، و مدت دو سال و دو ماه رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشت، در پایین پای مبارک پیغمبر در حجره سعادت مدفون است.

### صفات و خدمات حضرت ابوبکر

«در این شکی نیست که ابوبکر میان صحابه رتبه ارجمندی داشت، و به سبب حسن رفتار که با حسن رأی استقامت فوق العاده‌ای داشت، در نظر صحابه گرامی و طرف توجه و التفات مخصوص شده بود، گذشته بر آن به صفات ستوده آراسته، و به کمال معنوی و اخلاق نیک پرآسته بود، در مدت بسیار کم که دو سال و دو ماه خلافت نمود، ثابت شد که در امور سیاسی و کشورداری مهارت کامل داشت.

حدیثی از آنحضرت روایت کرده اند که فرمود: «هر کس می خواهد نگاه بر زنده ای کند که از دنیا بی نیاز است، و مانند مرده ای راه می رود، پس نظر به سوی ابوبکر افکند»<sup>(۱)</sup>.  
مولوی فرماید:

هر که خواهد کوبیند بر زمین      مرده ای را می رود ظاهر چنین  
مر «ابوبکر تقی» را، گوبین      شد ز صدیقی امیر المؤمنین  
«ابوبکر صدیق وقتی به خلافت رسید که جز مدینه و جز عشایر واقع در مثلث «مکه، طائف، مدینه» بقیه از حکم اسلام خارج گشته و مدعیان نبوت، رؤسای متجاسر عشایر با استعداد از دشمنان خارجی توطئه حمله به مدینه و محو اساس دین اسلام را طرح کرده بودند، ابوبکر صدیق با قدرت ایمان و نبوغ کارایی جهاد اسلامی را شروع و تمام ماجراجویان داخلی را قلع و قمع نمود، و ایمان و امنیت کامل را اعاده و عربستان را به دریایی از ایمان و اخلاص و شور اسلامی مبدل نمود، و در چندین حمله بخش های مهمی از متصرفات ایران و روم را به زیر پرچم اسلام درآورد.

و از راه جهاد اسلامی اسلامیت در حال احتضار را جان تازه بخشید، و برای جهانشمولی آن را حرکت داد، با جمع کردن قرآن (به شکل کتاب مکتوب) و تأکید بر سنت رسول الله ﷺ و حرکت اسلام را بیمه نمود، فردوسی تحت تأثیر عظمت و ابهت حضرت ابوبکر در تاریخ اسلام حدیثی را در باره ابوبکر صدیق ترجمه و به این عبارت سروده است:

که خورشید بعد از نبین مه      نتابید بر کس ز بوبکر به

«مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ النَّبِيِّينَ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ».

پیامبر اسلام فرموده است: «مال و ثروت هیچکس مانند مال ابوبکر نفع نداشته است»<sup>(۲)</sup>.  
حضرت ابوبکر خدمات زیادی به اسلام کرد و برده های زیادی که مسلمان شده و تحت ظلم و ستم آقاهاشان قرار گرفته بودند، مانند بلال خرید و آزاد کرد.

(۱) - خاتم النبیین پروفیسور شوشتری.

(۲) - امام ترمذی.

پیامبر فرموده است: «شما ای ابوبکر! اولین کسی هستی از امت من که داخل بهشت می شوی»<sup>(۱)</sup>.

(روزی که حضرت ابوبکر رضی الله عنه بیمار شد و در بستر مرگ قرار گرفت، دخترش حضرت عائشه رضی الله عنها از او درخواست کرد که پزشکی را برای معالجه ایشان دعوت کند. ابوبکر رضی الله عنه گفت: دخترم پزشک آمد، عایشه رضی الله عنها گفت: پدر طیب چه گفت؟. جواب داد: طیب به من گفت: «فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ». یعنی هر چه که بخواهم انجام می دهم. عایشه رضی الله عنها گفت: پدر در چه چیزی گفت کنیم؟ فرمود: در همین لباس خودم که با این در پشت سر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز خوانده ام. عایشه گفت: پدر این لباس کهنه شده است، اجازه دهید که کفن تازه را برایت بخریم. فرمود: دخترم تازه برای زنده مناسب است، نه مرده)<sup>(۲)</sup>. بیا باهم به خدمت پیر دانا عارف بزرگ ایران شیخ فریدالدین عطار نیشابوری برویم، و نظر ایشان را در باره ی اولین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله جویا شویم:

خواجه اول که اول یار اوست	ثانی اثنین اذهمما فی الغار اوست
صدر دین صدیق اکبر قطب حق	در همه چیز از همه بُرده سَبَق
هر چه حق از بارگاه کبریا	ریخت در صدر شریف مصطفی
آن همه در سینه صدیق ریخت	لاجرم تا بود از و تحقیق ریخت
چون تو کردی ثانی اثنینش قبول	ثانی اثنین او بود بعد از رسول

### خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه

چون در سال ۱۳ هجری زمان رحلت حضرت ابوبکر صدیق رسید، حضرت عمر بن خطاب را برای احراز مقام خلافت و رهبری جهان اسلام به خاطر شجاعت و شهامت و

(۱) - امام ابوداود.

(۲) - ترجمه ی انیس المؤمنین.

عدالت و ایمان که داشت پیشنهاد فرمود، بعد از وفات حضرت ابوبکر مسلمانان به حضرت عمر بیعت نمودند، و به اکثریت آراء رهبری جهان اسلام را به عهده گرفت.

### اسم و نسب حضرت عمر

اسم مبارکش عمر، لقبش فاروق (جداکننده‌ی حق از باطل) و ابو حفص (پدر شیران) نام پدرش خطاب در جد هفتم نسبش به آنحضرت می‌رسد، نام مادرش حنتمه در سال ۵۸۱ میلادی متولد شده، بعد از ده سال و شش ماه خلافت و رهبری جامعه اسلامی در سن ۶۳ سالگی در ۲۶ ذیحجه سال ۲۳ هجری بدست یک نفر مجوسی بنام فیروز ابولؤلؤ غلام مغیره در نماز صبح در محراب رسول الله مورد حمله این خبیث قرار گرفت، و سپس به درجه شهادت نائل شد و اولین شهید در محراب است، و در کنار مرقد مبارک حضرت رسول در مدینه‌ی منوره در حجره‌ی سعادت دفن شد.

### صفات و خدمات حضرت عمر

صفات حضرت عمر را پرفیسور عباس شوشتی چنین بیان کرده است:

«این شخص (عمر) که او را بیشتر از مسلمین به نظر بزرگواری می‌بینند، شهنشاهی بود که به جای تخت مرصع جواهر آگین بر روی خاک می‌نشست، و عوض لباس فاخر که از شرق و غرب به بیت المال او پر می‌شد، به جامه‌ی وصله‌دار که پوشاک مفلس‌ترین رعیت او بوده، بدنش را از برهنگی مستور می‌نمود.

جای تاج زرین و پر از جواهر پربها که از ایران و روم می‌آوردند، عمامه‌ای خشن رعب و جلالش را میافزود، با ادنی رعیت به درجه‌ی مساوی می‌نشست، و یک بنده‌ی حبشی را برادر مسلم خویش می‌دانست، و با او برادرانه سلوک می‌نمود.

چون سفر می‌کرد، منزلی او سوار شتر می‌گشت و بنده اش مهار شتر می‌گرفت، و منزل دیگر او مهار شتر داشت، و بنده اش سوار شتر بود.

شهنشاه بود، ولی رنج رعیت داشت و شب‌ها در کوچه‌های مدینه می‌گشت که ضعیفی را حمایت کند، و بیوه‌زنی را سرپرستی و یاری نماید.

می‌خواست که رعیتش به جای این که به او سر فرود آرند، به آیین اسلام زندگی بکنند. مربی ایتام و غمخوار بیچارگان و مروج عدل و فاتح روم و ایران در کودکی شبانی می‌کرد، و در جوانی به سبب حسن بیان و شجاعت سفارت قوم را می‌نمود.

در زمان جاهلیت سرکش و ضد اسلام بود، چون مسلمان شد، آنحضرت خرسند گشت و فرمود، دلم می‌خواست یکی از دو «عمر» سعادت اسلام را بیابند.

«عمرو» دیگر «عمرو بن هشام» بود که معروف به ابوجهل گشت، هردو آن‌ها از اشخاصی بودند که میان قریش به فصاحت بیان و استعداد ذاتی شهرت داشتند، همان سبب غرور مانع شد که عمرو بن هشام شرف اسلام را بیابد، و سعادت یاری کرد که «عمر بن خطاب» مسلمان شود، در زمان او کشورهای «روم» و «ایران» و «مصر» بدست مسلمانان گشوده شد و اسلام در مشرق به بلوچستان و در مغرب بدامنه دشت بزرگ «یقه» رسید<sup>(۱)</sup>.

ماموستا ملا عبدالله احمدیان مهاباد خیلی کوتاه و مختصر در باره حضرت عمر چنین می‌فرماید:

«حضرت عمر فاروق با حرکت دادن امواج متلاطمی از ایمان و شور اسلامی توانست همه مرزها را پشت سر بگذارد و دین اسلام را با همه خصوصیات آسمانی مخصوصاً بعد اجتماعی، عدالت، مساوات، آزادزیستن، معنوی گرایی به قلب ایران و مصر و شامات برساند، و بر سینه دو امپراطوری شکست خورده‌ی ایران و روم کلیه نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اداری اسلام پیشرفته را پیاده نماید و با برافراشتن پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ». بر کاخ کسری‌ها و قیصرها بر ادعای پوچ آنان خط بطلان کشید و به قول ملای مهابادی «برق سیف حضرت فاروق تا ابد \* داغ دروغ بر دل کسری و قیصر است».

(۱) - خاتم النبیین پروفیسور شوشتری.

### نمونه از عدالت و حق طلبی حضرت عمر

(۱) خلیفه دولت اسلامی امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه در شب خیلی سردی در تاریکی هوا آتشی را دید و با همراهش صحابی جلیل عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه به طرف آتش رفتند، دید در کنار آتش مادری با سه بچه کوچکش نشسته‌اند، یکی از بچه‌ها گریه می‌کرد و می‌گفت: مادر به اشک‌های چشم من رحم کن، دیگری می‌گفت: مادر از گرسنگی نزدیک است که بمیرم، سومی گفت: مادر غذایی برای من قبل از مرگم ممکن می‌شود؟ رضی الله عنه در کنار آتش نشست و به مادر بچه‌ها گفت: از چه کسی شکایت داری؟. مادر بچه‌ها گفت: الله از عمر رضی الله عنه گفت: چه کسی عمر را از اوضاع و احوال شما باخبر کرده است؟ زن گفت: او ولی و مسئول ما است و از ما غافل می‌باشد.

رضی الله عنه به سرعت به بیت المال مسلمین رفت و در را گشود. نگهبان گفت: خوش آمدی یا امیرالمؤمنین! به او توجهی نکرد، کیسه‌ای آرد و ظرفی پر از روغن و ظرفی پر از عسل را پایین آورد. نگهبان گفت: یا امیرالمؤمنین می‌خواهی چه کار کنی؟ رضی الله عنه گفت: این‌ها را بر پشتم می‌گذاری؟ نگهبان گفت: بر پشتت بگذارم، یا خودم بردارم؟ گفت: بر کولم بگذار. نگهبان خواست به جای رضی الله عنه خود وسایل را بردارد و حمل کند. رضی الله عنه او را عقب زد و گفت: مادرت در سوگت بنشیند بر کولم بگذار، در روز قیامت تو بار گناهان مرا بر دوش خواهی گرفت؟ خلیفه کوله‌بار آرد و روغن و عسل را بر کول گرفت و حرکت کرد، و بعد از آن که به بچه‌ها رسید غذا را برای ایشان آماده کرد و به دست خود به آنان خوراند.

مادر بچه‌های یتیم نگاهی به او کرد و گفت: الحق تو شایسته هستی در مقام خلافت باشی، نه عمر. خلیفه به او گفت: خواهر فردا نزد عمر برو، من هم آنجا خواهم بود مشکلات را به او خواهم گفت. رضی الله عنه برگشت و در پشت سنگی نشست و به بچه‌ها از دور نظر انداخت، عبدالرحمن بن عوف گفت: یا امیرالمؤمنین! هوا سرد است بهتر آن است برویم. رضی الله عنه گفت: والله از جایم تکان نخواهم خورد تا وقتی که آن بچه‌ها بخندند، آنچنانکه اولین بار آن‌ها را دیدیم که گریه می‌کردند، فردای آن شب مادر بچه‌ها به دارالخلافه رفت



دارالخلافة در زمان خلیفه اول و دوم مانند زمان حیات پیامبر ﷺ همان مسجد مدینه بود). و دید مردی در بین حضرت علی و ابن مسعود  $\text{E}$  نشسته بود و آنان به او امیرالمؤمنین می گویند، متوجه شد که او همان مرد است که دیشب نزد آنان بود، وحشتی سراپای او را گرفت، امیرالمؤمنین  $\text{E}$  به او گفت: ناراحت نباش خواهر، ستمی که بر تو وارد شده است به چند به من می فروشی؟ گفت: یا امیرالمؤمنین! از تو پوزش می طلبم. عمر گفت: سوگند به خداوند از اینجا بیرون نخواهی رفت تا داد خواهی را به من فروشی؟. سرانجام دادخواهی را در قبال مبلغ ششصد درهم از مال خالص خود از مادر یتیمان خریداری کرد و به حضرت  $\text{E}$  گفت: بنویس: من علی ابن ابی طالب و ابن مسعود شهادت می دهیم که «فلان» دادخواهی خود را در قبال مبلغ ششصد درهم به عمر بن خطاب فروخت. سپس عمر گفت: وقتی که من مردم این خریدنامه را در لای کفن من بگذارید تا به پیشگاه خداوند متعال برسد<sup>(۱)</sup>.

(۱) - \* توضیح مترجم:

«بدون شک حضرت  $\text{E}$  به معنی و مفهوم آیهی ﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ بیشتر و بهتر آگاه و دانا بوده است، و می دانست که هیچ نیازی به گذاشتن این خریدنامه در لای کفن نیست که مأمورین آن را پیدا کنند و بردارند و اجازه ملاقات بگیرند و به پیشگاه باری تعالی ﴿عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ برسانند. و همچنین می دانسته است که یک خانواده بی لانه و کاشانه که لقمه نانی را که یکی از بچه های گرسنه آنان در لای دهنش بگذارد و به آن سد جوع و رمقی بکند ندارند و در حاشیه شهر مدینه به حیات فلاکت بار خود ادامه می دهند. در این صورت دست زدن به چنین اقدامی توصیه به اطرافیان به امت اسلامی و جانشینان آینده خلافت و حکومت امت اسلامی است که بدانند بار مسئولیت سنگین است، همه چیز حساب و کتاب دارد، غفلت سلب مسئولیت را نمی کند، توصیه به ما است، به ما امت اسلامی از رأس هرم جامعه تا قاعده آن که اگر هر کس وظیفه خود را انجام ندهد و به مسئولیت خود عمل نکند و دین خود را ادا ننماید، جامعه ایده آل اسلامی جامعه ای که خداوند متعال آخرین پیامبر بزرگوار خود حضرت محمد مأمور تشکیل آن و خط مشی نظام اجتماعی آن را به او وحی و نازل نمودند، خودنمایی نخواهد کرد، و فرمان خداوند اجرا نخواهد شد. در این صورت آنچه که مسلم است مسئولیت تنها به

(۲) (امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه) در بخش آخر شب مشغول گشت، بود صدای گریه بچه‌ای را شنید، این گریه او را ناراحت و غمگین نمود. به در خانه‌ای که بچه در آن می‌گریست رفت و به مادر بچه گفت: بنده خدا بچه‌ات را آرام کن. بعد از گذشت یک ساعت برگشت و متوجه شد که بچه آرام نگرفته و کماکان گریه می‌کند، مجدداً مادر بچه را یادآور نمود که بچه را آرام کند. مدتی گذشت و باز آمد دید بچه باز گریه می‌کند. به مادر بچه گفت: تو چه مادری هستی که نمی‌توانی بچه‌ات را آرام کنی؟ مادر بچه گفت: برادر مسلمان! تو چرا مرا اذیت می‌کنی؟ عمر بن خطاب، تا بچه از شیر بریده نشود، جیره‌ای از بیت المال برای او در نظر نمی‌گیرد، و من بچه را در غیر وقت از شیر گرفتم تا از بیت المال برای او سهمی منظور شود. البته مادر بچه نمی‌دانست با خلیفه‌ی مسلمین صحبت می‌کند. عبدالرحمان بن عوف می‌گوید: صبح آن شب که صلوات الله علیه نماز صبح را به امامت اقامه می‌کرد، قراءت قرآن او را در نماز به علت گریه کردنش فهم نمی‌کردم. وقتی از نماز فارغ شد دست و پای خود را گم کرده بود: به خودش گفت: خداوند به دادت برسد، عمر چقدر از بچه مسلمانان تاکنون تلف شده باشند. خورشید برآمد، اعلامیه صادر کرد، هر بچه‌ای که متولد می‌شود سهم او از بیت المال منظور و تعیین می‌گردد).

(۳) (در روزی امیرالمؤمنین رضی الله عنه در یکی از کوچه‌های شهر مدینه مشغول بازدید بود، مردی را دید که برای سؤال کردن (گدائی) دری را می‌زد، صلوات الله علیه که این را دید و عمل آن مرد سائل به شدت او را تحت تأثیر قرار داده بود، از او پرسید: ای بنده خدا! چرا از غیر خدا دست سؤال و توقع را دراز می‌کنی؟ مرد گفت: ای امیرمؤمنان! من مردی یهودی هستم، موی سیاه و عمری دراز دارم و در زندگی هیچی در بساط ندارم. صلوات الله علیه چون آن مرد کور هم بود دست او را در دست گرفت و به منزل برد و به همسر گرامیش ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین حضرت علی گفت: آنچه که در دسترس داری آماده کن. من مهمانی دارم،

---

عهده‌ی کسی که در رأس هرم است نیست، بلکه از رأس هرم تا قاعده‌ی آن هرکسی در حد مسئولیت خود مورد بازخواست قرار خواهد گرفت» (م).

غذا آماده شد، عمر با مهمانش غذا را تناول نمود. سپس دست او را گرفت و به بیت المال برد و به مأمور بیت المال گفت: بدانید، این مرد و امثال این مرد در بیت المال مسلمین سهمی دارند، برای ما درست نیست وقتی سرشان سفید و پشتشان خم شد آن‌ها را فراموش کنیم).

### خلافت حضرت عثمان

وقتی که حضرت عمر مجروح شد، شش نفر<sup>(۱)</sup> را برای احراز مقام رهبری پیشنهاد فرمود، تا در بین آن‌ها یکی را انتخاب کنند، پس از به شهادت رسیدن حضرت عمر در سال ۲۳ هجری مسلمانان بعد از مشورت به حضرت عثمان بیعت نمودند و به او رأی دادند. حضرت عثمان از طرف مادر عمه‌زاده آنحضرت و از طرف پدر عموزاده او بود، و حضرت محمد ص دو دختر خود (رقیه و ام کلثوم) را پشت سر هم به او داده بود، از این رو داماد پیغمبر نیز بود.

### اسم و نسب حضرت عثمان

اسم مبارکش عثمان، لقبش ذی النورین، نام پدرش عفان در جد سوم نسبش به حضرت محمد می‌رسد، نام مادرش اروی در ۵۷۶ میلادی متولد شد و مدت ۱۲ سال خلافت نمود، و در سن ۸۲ سالگی در ۱۸ ذیحجه سال ۳۵ هجری به دست عده ماجراجو شهید شد، و در بقیع مدفون است.

### صفات و خدمات حضرت عثمان

حضرت عثمان شخصی خوش‌نیت و صاحب حیاء عارف بود، و بسیار قرآن می‌خواند، و از بهترین و محبوب‌ترین اموالش را در راه اعتلاء و اهتزاز پرچم اسلام انفاق و خرج می‌کرد،

(۱) - شش نفر عبارت بودند از: حضرات عثمان، علی، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف

حضرت عثمان با ایمان و فداکاری علاوه بر حفظ وضع موجود، یک نیروی دریای را با وسعت پانصد کشتی جنگی ایجاد و همه‌ی متصرفات روم در آسیا و طرابلس و ارمنستان و بقیه ایران را فتح نمود، و در راه وحدت فرهنگی و عقیدتی همه قرآن‌ها را جمع و از روی نسخه مادر (ام‌الکتاب) = المصحف الإمام هفت نسخه قرآن را نوشته و هریکی را به ایالتی فرستاد.

حضرت عثمان برای تجهیز و آماده کردن لشکر که عازم جنگ تبوک (جیش العسرة) بود هزار دینار طلا (تقریباً پنج کیلو طلا) و پنجاه اسب و ۹۵۰ شتر به حضور پیامبر عظیم الشان اسلام تقدیم کرد.

وقتی پیامبر به مدینه تشریف آورد، آب آشامیدنی کم بود، فرمود: «هرکسی چاه (رومه) را بخرد و ترمیم کند اهل بهشت خواهد بود، چاه رومه مال یکی از بنی غفار بود، حضرت عثمان آن را خرید و تعمیر کرد، و وقف مسلمانان نمود<sup>(۱)</sup>.

عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار در باره حضرت عثمان چنین می‌فرماید:

خواجه سنت که نور مطلق است	بل خداوند دو نور برحق است
آن که غرق بحر عرفان آمده است	صدر دین عثمان عفان آمده است
رفعتی کین رایت ایمان گرفت	از امیرالمؤمنین عثمان گرفت
رونقی کین عرصه‌ی کونین یافت	از دل پر نور ذوالنورین یافت
یوسف ثانی بقول مصطفی	بحر تقوا و حیاکان وفا
سیدالسادات گفتی بر فلک	شرم دارد دائم از عثمان ملک <sup>(۲)</sup>

(روزی که کاروان ده شتری عثمان بن رضی الله عنه با کالاهای خرما، زیتون و کشمش برگشت، جمله تجار مدینه نزد او آمدند و گفتند: ما کالای شما را به دو برابر خریداریم.

(۱) - تاج الجامع للأصول جلد ۲.

(۲) - منطق الطیر.

عشیره گفت: گرانتر از آن فروخته‌ام. گفتند: پنج برابر خریداریم. گفت: دیگران ده برابر خریدارند. گفت: این خریداران چه کسانی هستند؟ جز ما در شهر تاجری نیست؟ عثمان فرمود: به خدا و به رسول خدا فروخته‌ام<sup>(۱)</sup>.

## خلافت حضرت علی

پس از به شهادت رسیدن حضرت عثمان در سال ۳۵ هجری مسلمانان به حضرت علی بن ابی طالب بیعت نمودند، و او را به خلیفه و رهبر جهان اسلام انتخاب کردند.

### اسم و نسب حضرت علی

نام مبارکش علی، لقبش اسدالله (شیر خدا) اسم پدرش ابوطالب، نام مادرش فاطمه، مدت چهار سال و نه ماه خلافت و رهبری جهان اسلام را به عهده داشت، و در سن ۶۳ سالگی به دست عبدالرحمن بن ملجم در ۱۹ رمضان زخمی و در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری شهید و در نجف اشرف مدفون است.

### صفات و خدمات حضرت علی

«حضرت علی از جانب مادر و پدر عموزاده آنحضرت بود، و مانند حضرت عثمان دختر پیغمبر را تزویج کرد، و نخستین نوجوانی بود که ایمان آورد، و تربیت‌شده‌ی آنحضرت بود. از این رو از روح اسلام و مقصود به پیغمبر بایستی کاملاً آگاه باشد، گذشته بر این بالطبع معلم اخلاق و مایل بزهد و انزوا بود.

ولی به موقع لزوم در امور دنیا و سیاست نیز کاملاً شریک می‌باشد، صفات عجیب و غریب داشت، از کودکی در خدمت آنحضرت بود، و تا وفات صمیمانه خدمت نمود، و در دفع دشمنان اسلام جنگ‌های مردانه کرد، کراری بود غیر فرار و در بجا آوردن آنحضرت،

(۱) - قصه‌های شیرین.

چنانکه در قرآن می‌فرماید: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾<sup>(۱)</sup>. حضرت علی زمان به خلافت رسید کشورهای زیادی در زمان پیامبر ﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان فتح و مسلمان شده بودند، همچنانکه دوستانی زیادی برای اسلام به وجود آمده بود، بالطبع دشمنانی نیز به وجود آمده بودند.

از طرفی کشورهای فتح شده نیاز به اصلاحات اساسی و انقلاب درونی داشتند، و از طرفی دیگر مقابله با دشمنان و توطئه‌های آنان.

متأسفانه دشمنان اسلام که در آن زمان، جهان مسیحیت و یهود و مجوسی بودند، توانستند در بین مسلمانان تفرقه به وجود بیاورند، و جنگ داخلی گریبان‌گیر حضرت علی شد و درگیری‌های سختی میان مسلمانان رخ داد، و در نتیجه حضرت علی به شهادت رسید.

### نمونه از حق جوی حضرت علی

(وقتی که حضرت علی تصدی خلافت مسلمانان را عهده‌دار گردید، برادرش عقیل نزد او آمد و گفت: یا علی! تو هم اکنون مقام خلافت و رهبری جامعه مسلمین را به عهده داری، می‌خواهم که از بیت المال مقداری به من دهی. بنا به قولی: (مقداری بر سهم من بیفزایی. حضرت علی فرمودند: وقتی که غروب شد و هوا تاریک گردید نزد من برگرد. حضرت علی در سر موعده کیسه‌ای چرمی را آماده کرد و تکه‌ای آهن را داغ کرد و در لای کیسه گذاشت. در موعده مقرر که عقیل وارد شد، کیسه را به او داد. عقیل که کیسه را گرفت دستش سوخت و کیسه را به زمین انداخت. حضرت علی که حال او را چنین دید، گفت: آخر مادر به سوگت بنشیند، وقتی از آتش دنیا این حال را داری، فردا در روز قیامت حال تو و حال من چگونه باشد که من هم با تو باید به جهنم بیایم. ای عقیل کسی یک درهم یا یک دینار به مسلمانان خیانت کند در قیامت پلی را بر روی جهنم برای او نصب می‌کنند بر روی

(۱) - خاتم النبیین × شوشتری.

آن قرار می‌گیرد و پل در زیر پایش فرو می‌ریزد، و او در آتش جهنم هفتاد پاییز (سال) می‌سوزد<sup>(۱)</sup>.

(حضرت علیؓ فرموده‌اند: پنج چیز را به شما توصیه می‌کنم:

- ۱- هیچ یک از شما به جز به پروردگارش امیدوار نباشد.
- ۲- و به جز او را کسی ترس نداشته باشد.
- ۳- اگر چیزی که نمی‌داند از او پرسند، شرم نکند که بگوید نمی‌دانم.
- ۴- شرم نکند که یاد بگیرد.
- ۵- بدانید، صبر و بردباری که از ایمان است، به منزله سر از بدن است، وقتی که سر بریده شود، بدن رفتنی است، و همچنین اگر صبر نماند، ایمان رفتنی است)<sup>(۲)</sup>.

### حسن ادب چهار خلفاء با یکدیگر

آنچه مسلم است تمام اصحاب پیامبر به ویژه خلفاء راشدین طبق آیهی ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ مانند برادر با یکدیگر رفتار می‌کردند، و هر کدام آنچه برای خودش می‌خواست برای برادر مسلمانش می‌خواست، چون صحابه کرام این حدیث شریف پیامبر ﷺ را نصب العین خود قرار داده بودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»<sup>(۳)</sup>.

حضرت علی به حضرت ابوبکر و عمر و عثمان بیعت نموده و پشت سر آنها و مانند آنها نماز خوانده و اقتداء به آنها نموده و آنها را به عنوان اولی الامر پذیرفته، آنها نیز او را به عنوان مشاور در کلیه امور مورد توجه قرار داده‌اند.

و حضرت علی دخترش (ام کلثوم) را به حضرت عمر داده است.

(۱)- قصه‌های شیرین.

(۲)- قصه‌های شیرین.

(۳)- بخاری و مسلم.

پس حضرت علی پدر زن و حضرت فاطمه مادر زن حضرت عمر بوده‌اند، و نتیجه‌ی این ازدواج پسری بنام زید و دختری بنام رقیه بود<sup>(۱)</sup>.

بنابراین، چیزهای که نسبت به حضرت عمر (با این همه ایمان و عدالت) گفته شده، بنا به عقائد مسلمانان اهل سنت بی‌اساس و جز تفرقه در بین مسلمانان و جریحه‌دار کردن قلب آنان ثمره دیگری در پی نخواهد داشت.

صحابه پیامبر به ویژه خلفاء راشدین هم و غم‌شان دین مبین اسلام بوده، ما هم باید با پیروی از این بزرگواران برای اعلا و برافراشتن پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» در کنار هم و مانند برادر باهم رفتار کنیم، و نگذاریم ایادی شرک و کفر به سرکردگی آمریکای جنایتکار در صف ما رخنه کنند و تفرقه ایجاد کنند، و کاری نکنیم و چیزی نگوئیم که نسبت به یکدیگر کینه و ناراحتی به وجود بیاید.

(امام علی ابن ابی طالب رضی الله عنه فرمودند: در زمان خلافت حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه در خواب دیدم که پشت سر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز صبح را خواندم. وقتی که از اقامه نماز فارغ شدیم، از مسجد خارج شدم. زنی را دیدم در جنب در مسجد ایستاده است و یک طبق خرما را در دست دارد، گفت: یا علی! این خرما را بگیر و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله ببر. خرما را گرفتم و نزد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بردم، پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارک را در طبق خرما گذاشت و یک عدد خرما را در دهان من نهاد. خرما به حدی با لذت و خوشمزه بود، گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! خرمای دیگری را به من عطا فرما، قبل از آن که خرما را عطا کند، از خواب بیدار شدم.

برای ادای نماز صبح به مسجد رفتیم، نماز به امامت عمر بن خطاب خلیفه مسلمین اقامه شد. پس از پایان نماز از مسجد خارج شدم، زنی را دیدم که بر در مسجد ایستاده بود و یک طبق خرما را در دست داشت، گفت: یا علی! این خرما را نزد خلیفه ببر که بین اهل مسجد تقسیم شود. خرما را گرفتم و نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه بردم. عمر از طبق یک عدد

(۱) - نور الأبصار × الأساس فی السنة.



خرما را برداشت و در دهن من گذاشت. خرما با لذت و خوشمزه بود. گفتم: یا عمر! خرمایی دیگر را لطف کن. گفت: اگر پیامبر دو خرما را در دهان تو گذاشته است، تا من هم دو خرما را به تو دهم. حضرت علی در حال تعجب گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا این را در خواب دیدی؟ یا از غیب مشاهداتی داشتی؟ گفت: یا علی! نه خواب بود و نه مشاهدات غیبی، اما انسان وقتی که قلبش خالصاً لله باشد، بجایی رسد که نور خدا را ببیند<sup>(۱)</sup>.

---

(۱) - قصه‌های شیرین، ترجمه‌ی انیس المؤمنین.



## مراجع کتاب

- \* قرآن کریم.
- \* احادیث پیامبر اسلام.
- \* منطق الطیر، عطار نیشابوری.
- \* بوستان سعدی.
- \* مثنوی.
- \* خاتم النبیین، پرفسور عباس شوشتری.
- \* نوشته‌ی: از ماموستا ملا عبدالله احمدیان.
- \* قصیده نورالصبح ماموستا ملا عبدالکریم مدرس.
- \* قصیده‌ی حاج شیخ محمد دادانه.
- \* قصه‌های شیرین، ترجمه محمد سعید مجیدی.
- \* مقدمه: شاهنامه فردوسی.